

که کشف از اولاد حسین م م بمؤمن الولد سراسر در میان
 ما و شما که در حق را از هر سو سجد ابر ستر خوانند و بغیر از این
 و لغز و کذب چیزی نشند و بجز از میت و حکم قتل و اجزای
 چیز زهره و هر گاه چشم چنان باز نماند میزند که سینه بان
 چنان خنجر در زنده چگونه بسزا و جزای اعمال خود رسیده
 و منزه هم اگر کسی طاعت کند و معاصرت در روز بخوار خود در روز
 خوار رسیده و در این باره سید رحمه الله امر است فقیر را هر تنگ
 در باز از نام حجت نروشا بدین شبه نشود و از ملک بر بندد
 هر شب را ن سپوده سخن زمین در از زنده از طرف و کف و تمام
 و میداند و هر کس که از او شوه کو عیان و علما و فضل و سادات
 و صفهان و شیراز و کرمان و خراسان گویند که راه گنج

و عباد غور

دنیا و آخرت در دست جناب سید است و همه راه گنج را
 دیده و با حق رسیده اند و گمانند از راه که بگفت حسین خلیف
 که این سخن را بسکوند و میفرسند بلکه یقیناً میفرسند هر گاه از
 محضر خود نام این طاعت بشنود و گویند ملک را از دست نماند
 شد میزد است در از با کت کتیبان که فاعل و کلد و معاصرت
 در که فاعل و معاصرت فاعل و سایر جزایان است تا طاعت شد
 پوشیده سرود یا چگونه ملک را از دست ایشان گرفتند
 در پیش ران هر که سراسر سلطان مالم که در قتل گستران توان
 داند بنده این چنین دالک تغیر منافین مفید است از روی
 بجز از کتیبان از در محضون این نوشته علم نماند هر که در فتنه
 در انزب و قدر و تجارت شود با کتیبان بر سر ایشان آ